

تحلیل کیفی نقش فساد اداری در ایجاد بحران‌های اجتماعی

(مطالعه موردی: اعتراضات دی‌ماه ۹۶ در شهرستان شهرکرد)

احمد رضا قربانی مرغملکی: دانشجوی دکتری مدیریت بحران دانشگاه صنعتی مالک اشتر

Email: hosnavi@mut.ac.ir

دکتر رضا حسنوی*: استاد تمام، مهندسی صنایع - سیستم و بهره‌وری، دانشگاه صنعتی مالک اشتر

دکتر محمد اسکندری: استادیار، مرکز مدیریت بحران، مجتمع دانشگاهی پدافند غیرعامل، دانشگاه صنعتی مالک اشتر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

چکیده

بحران‌های اجتماعی مبین گونه‌ای از بحران ناشی از گسست نظم موجود و ناتوانی نظام اجتماعی در برقراری تعادل دوباره هستند. از جمله این بحران‌ها می‌توان به اعتراضات اجتماعی دی‌ماه ۹۶ اشاره کرد. این اعتراضات نمایانگر وقوع بحرانی با منشأ اجتماعی فراگیر، وسیع، عمیق و متفاوت با سایر بحران‌های جدایی‌طلبانه، مذهبی و جنبش‌های دانشجویی دهه‌های گذشته بود که توانست در کوتاه‌ترین زمان ۱۰۰ شهر را نابسامان کند. اینکه نظام اداری به‌عنوان مهمترین خرده‌نظام سیاسی چگونه می‌تواند در ایجاد نارضایتی و تولید بحران اجتماعی نقش خورنده‌ای را دربراندازی حاکمیت ایفا کند، پرسش و هدف اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. هدف این مقاله ارائه تحلیلی کیفی از چگونگی نقش فساد اداری در ایجاد بحران‌های اجتماعی است. داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق و با روش نمونه‌گیری هدفمند با ۲۳ نفر از افراد خبره و مطلع از چگونگی وقوع اعتراضات دی‌ماه ۹۶ در شهرستان شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با بافت چند قومی و گویشی متنوع گردآوری شده است. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی و چندین بار مرور با استفاده از روش تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) که یکی از فنون تحلیل متون و مصاحبه‌ها در روش کیفی است، بررسی و طبقه‌بندی شد. یافته‌های تحقیق شامل ۸ مضمون فراگیر و ۲۶ مضمون سازنده از نقش فساد اداری بر ایجاد بحران‌های اجتماعی است. از طرح بخشی از ۴۶۰ مضمون پایه به‌دست‌آمده، به علت مشابهت و تکراری بودن امتناع و لزوماً به اهم آن‌ها در بخش یافته‌ها اشاره شده است.

واژگان کلیدی: فساد اداری، بحران، بحران اجتماعی

Qualitative analysis of the role of corruption in creating social crises A case study of the December ۲۰۱۷ protests in Shahrekord

A case study of the December ۲۰۱۷ protests in Shahrekord

Ahmad Reza Ghorbani Marghmaleki^۱, Reza Hosnavi^{۲*}, Mohammad Eskandari^۳

Abstract

Social crises are manifested by the disruption of existing order in a situation in which the ability of the social system to rebalance declines. One of these crises is the social protests of December ۲۰۱۷. These protests showed the occurrence of a crisis of pervasive, wide-ranging, deep and different social origin from other crises (separatist, religious, and student movements) of the past decades that could disrupt a hundred cities in the shortest possible time. As the most important political subsystem, how it can play a corrosive role in overthrowing the government in creating dissatisfaction and social crisis, is the main question and purpose of this research.

The purpose of this article is to provide a qualitative analysis of how the role of corruption in creating social crises. Data were collected through in-depth interviews and purposive sampling with ۲۳ experts on how the December ۲۰۱۷ protests took place in Shahrekord, with a multi-ethnic context and diverse dialect. The recorded interviews were implemented and after several reviews using the method of thematic analysis, which is one of the techniques of text analysis and interviews in qualitative method, were classified and the topics were extracted from it. Findings of the research include ۸ comprehensive themes and ۲۶ constructive themes of the role of corruption in creating social crises. Some of the ۴۶۰ basic themes have been omitted due to similarity and duplication, and the most important ones are necessarily mentioned in the research findings section.

Keywords: Corruption, Crisis, Social crisis

^۱ Ahmad Reza Ghorbani Marghmaleki: PhD student in Crisis Management, Malek Ashtar University of Technology

^۲ Dr. Reza Hosnavi: Full Professor, Industrial Engineering - Systems and Productivity, Malek Ashtar University of Technology

^۳ Dr. Mohammad Eskandari: Assistant Professor, Crisis Management Center, Faculty of Passive Defense, Malek Ashtar University of Technology.

۶۰

ویژه نامه دوم
(پدافند غیر عامل)

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی



تحلیل کیفی نقش فساد اداری در ایجاد بحران‌های اجتماعی: مورد مطالعه: اعتراضات دی‌ماه ۹۶ در شهرستان شهرکرد - رضا حسنوی

جمهوری اسلامی ایران در بیش از ۴ دهه اخیر با بحران‌های متعددی چه با منشأ داخلی و چه خارجی مواجه بوده است که از جمله این بحران‌ها می‌توان به بحران‌های اجتماعی و روند فزاینده آن اشاره کرد. بحران‌هایی که قادرند حیات سازمان‌ها، تعادل، امنیت و سلامت جامعه را با خطر مواجهه کرده و به صورت ناآرامی، فشارهای برهم‌زننده سیاسی، شورش‌ها و اعتصاب‌های بی‌مهار برای درخواست‌های اقتصادی و همانند آنها ظاهر شوند و به گفته «گر» اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها از سال ۱۹۴۵ شایع‌تر از انتخابات ملی بوده است [۱].

کاهش فاصله زمانی بحران‌های اجتماعی در دهه اخیر به‌ویژه اعتراضات سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ با حضور کارگران معترض نیشکر هفت‌تپه در سال‌های ۹۶، کارگران گروه ملی فولاد اهواز، کامیون‌داران، بازاریان، تجمعات معلمان، بازنشستگان، مستمری‌بگیران (منابع مختلف خبری در سال ۹۷) گواه آن است که مطالبات و اعتراضات به‌طور عمده ریشه در خصوصی‌سازی‌های غیراصولی و رانتی، سیاست‌های اقتصادی کم‌اثر، معوقات چندین ماهه دستمزد و حقوق، تورم، رکود بازار، نوسان نرخ ارز، افزایش قیمت لوازم یکدی کامیون و ... داشته است. طبق نظرسنجی آبان ۹۸ درباره مسائل روز جامعه از مردم استان حدود ۸۳ درصد پاسخگویان ریشه اعتراض‌های آبان را مشکلات اقتصادی و حدود ۸۰ درصد (۳۵ درصد در حد زیاد و ۴۵ درصد خیلی زیاد) اعتراض‌ها را حق قانونی مردم دانسته‌اند. در طرح سنجش فرهنگ سیاسی ایرانیان هم که در دی‌ماه ۹۷ در استان صورت گرفت، حدود ۵۹ درصد برقراری عدالت و رفع نابرابری را از دولت انتظار داشته‌اند. تأمین امنیت، توسعه، آبادانی و آزادی و انتخابات به ترتیب با ۱۶، ۹ و ۸ درصد در اولویت‌های بعدی انتظارات مردم از دولت قرار داشته است. (واحد پژوهش صداوسیما چهارمحال و بختیاری) اما اعتراضات دی‌ماه ۹۶ گونه‌ای دیگر از تحولات اجتماعی دهه اخیر را متأثر از ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت پدیدار ساخت و به‌زعم وزیرکشور «ظرف ۲ شب به ۱۰۰ شهر رسیده و در ۴۲ شهر هم به درگیری» منجر شد. او جریان سال ۱۳۸۸ را کاملاً سیاسی- جناحی و سازوکار اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ را غیرسیاسی و بدون «لیدر» (اقتصاد نیوز، ۹۷/۱/۱) عنوان کرده است. سایت خبری تابناک هم این اعتراضات را ناشی از مسائل اقتصادی، گرانی و فساد بیان کرده است. (تابناک، ۹۶/۱۰/۱۳) مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری هم با استناد به یک نظرسنجی بیان کرد که ۴۰ درصد پاسخگویان مخاطب شعارهای مردم را دولت، ۳۴/۷ درصد کل نظام، ۲/۹ درصد روحانیت و همچنین ۶۹ درصد خواستار بهبود وضع اقتصادی شده، ۳۰ درصد اعتراض به فساد مالی داشته، ۲۰/۶ درصد به بی‌عدالتی معترض بوده، ۱۳/۵ درصد قطع حمایت از سوریه و فلسطین، ۹/۷ درصد آزادی بیان و ۲/۳ درصد

رفع حصر (ایسنا، ۹۷/۵/۱۱) را خواستار شده‌اند.

کلیدواژه‌هایی چون خصوصی‌سازی غیراصولی، رانت و بی‌عدالتی از سازه‌های فساد اداری‌اند. فساد اداری از جمله پدیده‌های اجتماعی بی‌ثبات‌ساز و یکی از علل مهم ناکارآمدی دولت‌ها [۲] یا نظام‌های سیاسی است که به دلایل مختلفی از جمله ساختاری، مدیریتی و فرهنگی روی می‌دهد که اگر به‌موقع و به‌درستی مدیریت نشود، در بستر زمان قابلیت تبدیل شدن به یک آسیب و در نهایت تهدید و امنیتی شدن را دارد [۳]. با توجه به اینکه بحران اجتماعی دی‌ماه ۹۶ دارای نکات متمایزکننده‌ای از گونه‌های اعتراضی پیشین است و تمرکز این مقاله در گردآوری داده‌ها بر آن است؛ اما تحقیقات محدودی درباره آن صورت گرفته که در نتایج آن‌ها به دلایلی چون چهره اقتصادی و رشد سرمایه‌داری، ذهنیت عام احساس محرومیت، ناتوانی نظام سیاسی، افزایش جمعیت جوان و مطالبه‌گر در کشور، به‌هنگار شدن فساد اقتصادی و نادیده انگاشتن واقعیت‌های جامعه در گفتمان رسمی حاکمیت اشاره شده است [۴].

مصادیق مستندی از رابطه فساد اداری با بحران‌های اجتماعی و فروپاشی دولت‌ها وجود دارد که می‌توان به سقوط پهلوی [۵] و تحولات خشن منطقه‌ای در یمن، مصر، تونس و لیبی [۶] اشاره کرد. سازمان شفافیت بین‌الملل (۲۰۱۵) با بررسی کشورهای عراق، افغانستان و نیجریه علت ناکامی ارتش‌های عراق مقابل داعش، نیجریه مقابل بوکوحرام و افغانستان در مقابل تروریسم را متأثر از فساد اداری بیان کرده است [۷].

بررسی‌های پژوهشگران آفریقایی هم بیان می‌کند که از ژوئن سال ۱۹۶۳ تا سال ۲۰۰۴ میلادی دولت‌های آفریقایی غربی ۴۴ کودتای موفق، ۴۳ کودتای ناموفق، ۸۲ گزارش توطئه کودتا و حدود ۷ جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند. «توبی» سوء مدیریت و فساد مقامات دولتی نسبت به منابع عمومی را از بیشترین توجیه‌های گفته‌شده برای فعالیت‌های شورش‌ی در سیرالئون و لیبیا [۸] و بامیدل هم بر تأثیر فساد بر شکست دولت و فوران جنگ‌های داخلی برای کسب منابع تأکید کرده‌اند [۹].

علاوه بر شواهد میدانی یادشده می‌توان به آمارهای سازمان شفافیت بین‌الملل در یک روند ۱۷ ساله هم اشاره کرد. به‌طوری که در سال ۲۰۰۳ (اولین سال عضویت) ایران در میان ۱۳۳ کشور رتبه ۷۸ را داشته؛ اما در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب رتبه‌های ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۴۶ و ۱۴۹ را در میان ۱۸۰ کشور را به خود اختصاص داده که علائم هشدار دهنده‌ای را گوشزد می‌کند (ترنس‌پرنسی، گزارش از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱).

اینکه فساد اداری ریشه‌ای تاریخی دارد و مختص یک سرزمین نیست، امری بدیهی و روشن است. اما غفلت از تأثیر آن در ایجاد نارضایتی و تولید بحران‌های اجتماعی مختل‌ساز عاملی مهم در ایجاد شکاف میان دولت و ملت و متغیری اثرگذار در شکنندگی و واژگونی دولت‌هاست.

بدین وصف این مطالعه در استان چهارمحال و بختیاری با برخورداری از بافت چند قومی و گویشی-زبانی در شرایطی انجام می‌شود که ضمن داشتن میزان بالای بیکاری (۲ استان آخردر کشور) همواره در مناسبت‌های سیاسی از جمله انتخابات در زمره بالاترین استان‌ها قلمداد شده است. با این وجود در سومین روز از آغاز اعتراضات دی ماه ۹۶ زمینه‌های آن در مرکز استان با صف‌آرایی محدود خیابانی با ماموران انتظامی مشاهده شده است. به‌رغم شواهد بیان‌شده از نقش فساد اداری در بروز بحران‌های اجتماعی مطالعات مبسوطی در کشور ما در این باره وجود ندارد. بررسی‌ها نشان داد که تحقیق مشابهی با این موضوع و روش در استان چهارمحال و بختیاری و در سطح ملی انجام نشده و چنانچه از بررسی محقق مغفول مانده باشد هم از حد انگشتان دست فراتر نمی‌رود. بنابراین ضرورت دارد تا تحقیقاتی برای تشخیص چرایی و چگونگی آن با هدف پیشگیری و تقویت رابطه دولت و ملت (قبل از فروپاشی و اضمحلال) به‌ویژه در مناطق قومی صورت پذیرد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی و با روش کیفی و اکتشافی به طرح این سؤال کلی که فساد اداری (به‌عنوان بستر فساد مالی، اقتصادی و سیاسی) چگونه موجبات یک بحران اجتماعی را فراهم می‌آورد؟ می‌پردازد.

ادبیات پژوهش:

فساد اداری:

ارائه تعریف واحدی از فساد اداری به دلیل برخورداری از یک مجموعه عوامل پیچیده و به‌هم‌تنیده تاکنون به سرانجام واحدی نرسیده است؛ اما اکثر تعاریف از فساد بر مبنای «کاربرد سوء قدرت و یا سوء استفاده از مفاهیم اساسی اخلاق، عدالت و یا به استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری-دولتی برای نفع شخصی توسط مستخدمان کشوری» صورت گرفته‌اند [۱۰].

از گونه‌بندی‌های مختلف فساد اداری می‌توان به دسته‌بندی جین (۲۰۰۱) بر مبنای عاملان آن به ۳ گونه فساد کلان (سوء استفاده‌های اقتصادی نخبگان سیاسی از قدرت خود)، فساد بوروکراتیک (به اقدامات فسادآمیز دیوان‌سالاران در ارتباط با مقامات بالادستی و هم‌چنین مردم مانند پرداخت رشوه به ازای ارائه و یا تسریع در خدمات، نادیده گرفتن وظایف و مقررات و ...) و فساد قانون‌گذاران (به امکان تبانی در تصویب قوانین و تأثیر در نظام انتخابات و رفتار رأی‌دهندگان) [۱۱] اشاره کرد.

اولریش فون‌آلمان (۲۰۰۴) در پژوهشی ۵ بعد از مفهوم فساد اداری را به‌عنوان انحطاطی اجتماعی، رفتاری منحرف، نوعی منطق مبادله، نظامی از ادراکات قابل اندازه‌گیری و سیاست‌های سایه‌ای بررسی کرده است. او معتقد است که تمام این ابعاد به محقق کمک می‌کند که فساد اداری را در درون بسترهای واقعی اجتماعی تحلیل کند [۱۲].

چگونگی وقوع فساد اداری را از زوایای مختلفی چون روان‌شناسی، حقوقی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی

و یا به لحاظ ساختاری و محتوایی بررسی کرده‌اند. نظریه سیستم سیاسی-نهادی علت وقوع فساد اداری را احزاب سیاسی، قوانین و نهادهای دولتی می‌داند. طرفداران و حامیان این نظریه ادعا می‌کنند تا زمانی که تمام مسیرهای دسترسی به خدمات و منابع دولتی به‌طور عمدی و کنترل‌شده برای فساد طراحی شده باشند، شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع به فساد متوسل می‌شوند. سطوح فساد در شرکت‌های مختلف هم از این رویه پیروی کرده‌اند (او صاحبان اختیارند که تصمیم می‌گیرند) که آیا از دسترسی آزاد و شفاف مردم به منابع قدرت یا خدمات جلوگیری کرده و یا آن را مجاز ارزیابی کنند [۱۳].

پیامدهای فساد اداری

فساد تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و چندوجهی بر نگرش مردم (از رضایت تا نارضایتی) نسبت به حاکمیت و کیفیت اداره (حکمرانی) ایجاد می‌کند. آموندسن (۱۹۹۷) معتقد است نگرش مردم بیشتر از عملکرد دولت، توان راضی نگه داشتن، خیراندیشی، ارائه خدمات مطلوب به تقاضای مردم و کاریزمای مقامات سیاسی کارکرد پیدا می‌کند [۱۴].

فساد اداری می‌تواند با تأثیر بر ترکیب مخارج دولت، منافع عمومی را به کسب منافع شخصی [۲] منحرف کند و به‌زعم پاتریک (۲۰۱۶) به کاهش ثروت ملی، افزایش هزینه و قیمت تمام‌شده کالاهای مورد نیاز (مانند مدارس، بیمارستان، جاده‌ها و یا عرضه آب آشامیدنی)، تخصیص نامناسب منابع، تورم، اخلاق کاری ضعیف و غیرحرفه‌ای و فقیر شدن کل جمعیت [۱۵] که از عوامل اقتصادی مهم در نارضایتی اجتماعی است، منتهی شود. گستردگی و عمق فساد اداری می‌تواند به بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی [۱۶]، تضعیف اصول دموکراتیک [۱۷]، افول مشارکت در قالب انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی [۱۸] و به ناامیدی، نگرانی و نارضایتی از دولت [۱۷] کشانده شود. مایکل سلیگسون با بررسی نظام‌های سیاسی در ۴ کشور آمریکای لاتین نشان داد که گسترش فساد، سبب کاهش مشروعیت دولت‌ها و تقلیل روابط مردم با دولت‌ها می‌شود [۱۹]. البته فساد انتخاباتی هم گونه‌ای از فساد سیاسی است که ظرفیت افزایش بروز مناقشه و ناآرامی داخلی را دارد [۲۰].

بحران اجتماعی و علل آن

بحران‌ها اغلب در سلسله مراتبی پلکانی که از بحران‌های اجتماعی آغاز و به بحران‌های سیاسی و امنیتی ختم می‌شوند، قابل‌چینش هستند [۳]؛ اما در این مقاله بحران از جنبه‌های اجتماعی به‌عنوان کلیتی که خرده‌نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اداری و فرهنگی را دربرمی‌گیرد، بررسی می‌شود. در این جا نظام اجتماعی مفهومی انتزاعی و تحلیلی است که می‌تواند برای تحلیل اجتماعات، نهادهای و جنبش‌های اجتماعی در مقیاس‌های مرتبطی به کار گرفته شود.

منظور از بحران‌های اجتماعی آن دسته از بحران‌هایی است که در گروه‌های با ماهیت اجتماعی گسترش یافته و موجب خطر افتادن و به هم خوردن تعادل عمومی، امنیت، سلامت و زندگی اجتماعی می‌شوند. زمانی یک بحران اجتماعی از نظر کمی و کیفی آشکار می‌شود که نظام اجتماعی توانایی حل مسائلی که پیش از این توان حل آن‌ها را داشته، از دست می‌دهد و دیگر توان مهار و واپایش حوادث غیردلمخواه را ندارد. در این وضعیت نابسامانی عمومی و نبود تعادل فراگیر در جامعه بروز کرده [۲۱] و به صورت تعارض‌های اجتماعی، ناآرامی، فشارهای برهم‌زننده سیاسی، شورش‌ها و اعتصاب‌های بی‌مهار برای درخواست‌های اقتصادی و همانند آن‌ها ظاهر می‌شوند. بحران‌های اجتماعی به‌طور معمول پیامد زنجیره‌هایی از علل متنوع هستند که این تنوع و تعدد شناسایی علل واقعی آن‌ها را بسیار مشکل می‌سازد. با توجه به پیشرفت جوامع بشری و بالا رفتن آگاهی‌های اجتماعی، مطالبات و خواسته‌های مردم و گروه‌های اجتماعی هم افزایش یافته و به بروز تنش و اختلاف منافع میان مدیران، کارفرمایان و تصمیم‌گیران با مطالبه‌گران منجر شده است [۲۲].

علل وقوع بحران‌های اجتماعی از دیدگاه‌های متفاوت از جمله توسعه و شکنندگی دولت‌ها بررسی شده‌اند. لوسین پای (۱۹۶۷) شرط رسیدن به توسعه را گذار از بحران‌های هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع؛ «بایندر» تولید بحران‌های اجتماعی را نتیجه بروز تناقض بین نشانگان سه‌گانه توسعه یعنی برابری فرهنگی، ظرفیت اقتصادی و انفکاک اجتماعی [۲۳] و بنیاد کارنگی همدر در تعریف خود از سیستم اجتماعی بر پایه برهم‌کنش ۳ عامل حکومت، توسعه و تعارض تأکید کرده است [۲۴].

بروک و همکارانش (۱۳۹۴) ساختارهای اداری و تشکیلاتی دولت‌های شکننده را ساختارهای ناکارآمد و فاسدی می‌دانند که حکمرانی در آنها بر مبنای اجبار و نه مشروعیت و حاکمیت قانون صورت می‌گیرد. فقدان پاسخگویی، فقدان توان لازم در برنامه ریزی و اجرای سیاست‌ها و فقدان اقتصاد ملی مسنجم برای ایجاد رفاه نسبی شهروندان از ویژگی‌های این دولت‌ها قلمداد کرده‌اند. به‌زعم آنها دولتی شکننده است که ساختار آن فاقد اراده سیاسی در کاهش فقر، پیشبرد توسعه، تأمین حقوق بشر و امنیت مردم است [۲۵]. بسیاری از دانشمندان معتقدند هرپدیده اجتماعی مانند بی‌ثباتی سیاسی دارای علل ساختاری و علل فوری است. علل ساختاری معطوف به ریشه‌ها و زمینه‌هایی است که بستر وقوع پدیده اجتماعی هستند، اما علل فوری به اقدامات کارگزاران یا وقوع رویداد باز می‌شود [۲۴] و «دیوید ایستون» هم منشأ بحران در جوامع را «مقامات سیاسی، رژیم و یا جامعه‌سیاسی» می‌داند [۲۶].

در تبیین علل وقوع بحران‌های اجتماعی برخی به ۳ علت اختلاف طبقاتی، تعارضات سیاسی، و تعارضات اجتماعی- فرهنگی به‌عنوان عوامل منتج از سازکارهای نظام‌های بحران‌زا در جوامع [۲۷] پرداخته‌اند و برخی با تمرکز بر چگونگی آغاز و جرقه بحران به عواملی چون یک متغیر روان‌شناختی، یک حمله ناگهانی، تنش دیپلماتیک، شروع

جنگ، کودتا، فروپاشی دولت‌ها، بروز ناآرامی و شورش، تظاهرات خشونت‌آمیز، برخوردهای قومی-نژادی، جنبش‌های دانشجویی، چالش‌های غیره قاعده‌مند جناح‌های سیاسی و... [۲۸] اشاره کرده‌اند.

نظریه‌های جامعه‌شناسی بحران

از اندیشمندانی که از منظر جامعه‌شناسی به توصیف و تحلیل تعارضات، جنبش‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی و انقلاب‌ها پرداخته‌اند، می‌توان به مارکس (بر پایه تبیینی از تاریخ بشری و تکامل جوامع بر اساس تضادهای طبقاتی) [۲۹]، تدگر (محرومیت نسبی را عامل اصلی در وقوع اعتراض‌های اجتماعی و خشونت جمعی علیه شرایط حاکم می‌داند.) [۱]، آلموند (نهفته بودن منشأ بحران در ذات نظام سیاسی و یا در عوامل محیطی) [۳۰]، نیل اسملسر (اهمیت ۶ شرط زمینه‌های ساختاری، فشار ساختاری، باورهای تعمیم‌یافته، عوامل شتاب‌دهنده، گروهی هماهنگ و عملکرد کنترل اجتماعی را برای حضور هر جنبش اجتماعی) [۲۹]، بوزان (مفهوم ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند) [۳۰]، ملوین بسترد (چگونگی بروز بحران‌های اجتماعی در اثر نبود ثبات و عدم تعادل در جوامع بین نیاز و داشته) [۳] و چارلز جانسون (منبع اصلی عدم تعادل در جوامع به‌عنوان شرط لازم وقوع انقلاب از ناهمخوانی بین ارزش‌های فرهنگی عمده جامعه و نظام تولید اقتصادی). [۲۹]، چارلز تیلی (در نظریه اعتراض پدید آمدن جنبش‌های اجتماعی را به‌عنوان وسیله بسیج منابع گروهی موقعی که مردم هیچ‌گونه وسایل نهادی شده‌ای برای بیان خواسته‌های خود ندارند و یا نیازهایشان مستقیماً توسط مقامات دولتی سرکوب می‌شود، می‌داند. تیلی از سازمان گروه یا گروه‌های درگیر، بسیج، منافع مشترک و فرصت برای تعقیب منافع مشترک به‌عنوان ۴ جزء اصلی عمل جمعی در اعتراض به نظم اجتماعی یا کوشش برای سرنگونی آن نام برده است.) [۲۹] اشاره کرد.

فرآیند شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی

در ارتباط با تعیین عوامل مؤثر بر خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در نظام‌های اجتماعی می‌توان به ۳ رویکرد نظری محرومیت نسبی، بسیج منابع و وابستگی نظام جهانی اشاره کرد. فرض اساسی تمام نظریه‌های معطوف به نارضایتی این است که برخی از اشکال نارضایتی که توسط انواع بی‌تعدالی‌های ساختاری و کارکردی در جامعه ایجاد می‌شوند، خود را به صورت خشونت سیاسی بروز می‌دهند. نظریه بسیج منابع عنصر اصلی و تعیین‌کننده اعتراضات سیاسی خشن را نارضایتی نمی‌داند و علت را به منابع سیاسی، ساختار فرصت‌ها، دامنه و شدت تضاد سیاسی خشونت‌بار درون‌کشوری نسبت می‌دهد. سنت نظری وابستگی جهانی بر خلاف ۲ رویکرد قبلی تأکیدش را در تبیین خشونت روی عوامل خارجی گذاشته است. پیش‌فرض اساسی دیدگاه نظام جهانی این است که جهان جدید از یک اقتصاد جهانی سرمایه‌داری تشکیل شده که برای فهم تعارضات طبقاتی داخل و نزاع‌های سیاسی دولت خاص باید اقتصاد جهانی شناخته شود [۳۱].

انباشت نارضایتی(چه به دلایل ساختاری، کارکردی و یا ماهیتی) در گذر زمان به خشم و نفرت عمومی تبدیل می‌شود. خشونت سیاسی به‌عنوان یکی از جلوه‌های کنش اجتماعی در یک توالی علی عمده در بحران‌ها ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می‌شود. در مرحله دوم این نارضایتی شکل سیاسی به خود می‌گیرد و به تحقق عمل خشونت‌آمیز علیه موضوعات و بازیگران سیاسی می‌انجامد. نارضایتی حاصل از ادراک محرومیت نسبی شرط اساسی انگیزاننده مشارکت‌کنندگان در خشونت جمعی است [۱].

بر اساس نظریه محرومیت نسبی بسیج گروه‌های اجتماعی در این احساس است که کمتر از آن چه حقتشان است، دریافت کرده‌اند. مهم‌تر از واقعیت‌های عینی، وجود احساس روانی و ذهنی در این زمینه است. این ناامنی‌ها بیشتر ناشی از مقایسه فاصله بین طبقه فقیر و غنی است که توده فرودست را به اعتراض می‌کشاند [۳۰]. بدین ترتیب سرخوردگی حاصل از شدت محرومیت بر میزان مشارکت در درون واحد سیاسی(دامنه)، میزان ویرانگری اقدام(شدت) و مدت زمانی که خشونت دوام می‌آورد(دوام) [۱] تأثیرگذار است.

نامیدی از حل مسالمت‌آمیز انتظارات به‌ویژه نبود و یا صوری بودن امکان قانونی شنیدن صدای مردم زمینه‌های بروز و ظهور کنش‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد. هنگامی که بی‌ثباتی و ناپایداری ذاتی جامعه‌ای به‌طور مصنوعی سرکوب شود و فرصتی برای بیان اعتراضات و شنیدن صدای مردم داده نشود، پیامد آن به انباشت نارضایتی و تجمیع خطر در لایه‌های زیرین جامعه [۶] و یا کشانده شدن آن به خیابان‌ها منتهی می‌شود و می‌تواند برخی افراد را به بی‌تفاوتی سیاسی و برخی را به مخالفت سیاسی سوق دهد [۳].

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شکنندگی دولت‌ها با گسترش خشونت جمعی در اثر نادیده‌انگاری برخی از دولت‌های پسااستعماری همراه بوده است. علت خشونت‌ها دور فاسد بین دولت ناکارآمد، شکاف اجتماعی و عدم توسعه اقتصادی بوده است [۲۵]. اگر چه رئیس‌دانا(۱۳۸۴) مدعی است که هر تهدیدی الزاماً به بحران (عدم تعادل و ناامنی) منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند خود عامل ناامنی را هم زیر فشار قرار داده و تهدیدی علیه مناسبات، ساخت فاسد و سذبندی ضدتوسعه باشد [۲۷].

با توجه به ویژگی جامعه مورد مطالعه می‌توان گفت که به علت وجود مشوق‌های مشترک در میان گروه‌های هویتی و قومی-فرهنگی احتمال حمایت و مشارکت آن‌ها در کنش‌های اشتراکی بیشتر است. ۳ نوع مشوق آرزودگی از زیان‌های گذشته، ترس از زیان‌های آینده و امید به دستاوردهای نسبی باعث کنش سیاسی از سوی گروه‌های هویتی می‌شود. علاوه بر آن بر ۴ عامل تمرکز جغرافیایی، پیشینه، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اعتبار رهبران به‌عنوان ظرفیت کنش جمعی هم اشاره شده است [۱].

حوزه‌های کنش اجتماعی گاهی می‌توانند با هدف تأثیر بر سیاست‌گذاران از فعالیت‌های مدرنی مانند راهپیمایی، تحصن، اعتصاب، تظاهرات، پیاده‌روی و نشست پیروی کرده و گاهی از جنبش‌های تندرو یعنی شورش‌ها، قیام‌های انقلابی، براندازی و جایگزینی نظام سیاسی(به‌عنوان شکل نهایی سیاست‌ستیز) پیروی کنند. این موضوع زمانی که نخبگان سیاسی در برابر تلاش‌های اصلاحی پاسخ نباشند، به سخت‌تر شدن مواضع هر ۲ طرف مناقشه منجر خواهد شد [۳۲].

اگرچه به‌زعم محققان اینکه دلایل ساختاری(نابرابری، محرومیت، تبعیض و ...) به‌تنهایی بتواند به اعتراضات جمعی منتهی شود، اتفاق نظر قطعی وجود ندارد؛ اما به وجود عوامل ساختاری در کنار عوامل واسطه‌ای(بسیج توده‌ها، جامعه مدنی، رسانه‌ها و جنبش‌های اجتماعی و ...) تأکیدهای بیشتری وجود دارد. شنیدر و تیلی نتوانستند محرومیت نسبی را به انواع گسترده اعتراضات جمعی نسبت دهند. مقید بودن به تحلیل شکل‌گیری نارضایتی‌ها به‌عنوان عامل برآمدن سازمان شورش یا میزان مشارکت بدنه اجتماعی مورد تردید است. چیزی که به شورش دامن می‌زند، میزان منابع اجتماعی در دسترس برای گروه‌های بی‌سازمان اما تحت ستم است که آنان را به سوی مطالبات سازمان‌یافته برای تغییر هدایت می‌کند [۳۳].

تظاهرات جوانان و دانشجویان برزیلی در ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۳ نمونه‌ای از یک نارضایتی به ظاهر کم‌اهمیت از افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل بود که توانستند آن را با استفاده از فضای مجازی(توییتر، وبلاگ، تلفن‌های هوشمند، فیسبوک و ...) به‌سرعت به موضوعات گسترده‌تری مانند فساد اداری، غیرپاسخگو بودن، ناتوانی حکومت و اولویت‌های بودجه تسری دهند و به‌سرعت مردم را در ۱۰۰ شهر برزیل بسیج کرده و در ریودوژانیرو ۱۰۰ هزار نفر و در سائوپائولو ۶۵ هزار نفر را به خیابان بکشاند [۳۲].

از دیگر مصادیق ناتوانی دولت‌ها در فراهم کردن امکانات اجتماعی افزایش جمعیت تحصیل‌کردگان دانشگاهی مصری(مواجهه بودن حدود ۴۵ میلیون جوان مصری زیر ۳۵ سال تا قبل از سقوط دولت در سال ۲۰۱۱ با چالش‌های بیکاری و فقر گسترده) است که پتانسیل سیاسی عظیمی را برای بیان اعتراض به نرخ بالای بیکاری، دستمزدهای پایین، آزار و اذیت پلیس و فساد دولت ایجاد کرد [۱۵]. تراکم بحران ناکارآمدی و مشروعیت در مصر [علل ساختاری] با مرگ خالد سعید جوان ۲۸ ساله در اثر ضرب و شتم پلیس [علل فوری] جرقه‌ای را برای شکل‌گیری اعتراضات انقلابی تا سقوط دولت مبارک مشتعل کرد.

چارچوب نظری تحقیق

مطابق با مرور نظری پیش‌گفته برای پاسخ به پرسش تحقیق یعنی چگونگی نقش فساد اداری در ایجاد بحران‌های اجتماعی می‌توان گفت: وجود فساد اداری

در سازمان‌ها و نهادهای حاکمیت موجب می‌شود تا منابع مالی و فرصت‌های خدمت‌گذاری عمومی نهفته در سازمان‌ها و نهادها از مسیر توسعه و به سوی منافع شخصی منحرف شود. تبعات چنین امری رواج فقر، محرومیت، شکاف طبقاتی و بیکاری است که به نارضایتی و در نهایت به اعتراضات اجتماعی منتهی می‌شود. طبق اظهارات صریح مقامات ارشد مانند وزیر کشور اعتراضات دی‌ماه ۹۶ غیرسیاسی، بدون لیدر و دارای منشأ اقتصادی متأثر از عدم بازپس‌دهی به موقع سپرده‌های مردم نزد مؤسسات مالی بوده است. اما این استثناء وجود دارد که این اعتراض فراگیر برخلاف ادبیات تحقیق که کنش‌ها و جنبش‌های اجتماعی به رهبر، سازماندهی، بسیج منابع و فرصت نیازمند بوده‌اند، فاقد رهبر، بسیج منابع و سازماندهی بوده است و در سوابق کنش‌های اعتراضی کشور به‌عنوان یک نقطه عطف و چالش محسوب می‌شود. بدین جهت به‌رغم وجود این استثنا و غامض شدن فرآیند تحلیل، با توجه به برجسته بودن منشأ اقتصادی آن از مبانی نظری مارکس (مبارزات طبقاتی ناشی از نظام سرمایه‌داری و شکاف طبقاتی اقلیتی ثروتمند با اکثریت فقیر)، نظریه تدگار (محرومیت نسبی)، نظریه دولت‌های شکننده (ناکارآمدی ساختارهای اداری و تشکیلاتی دولت) که انطباق بیشتری با روند تحقیق دارد، استفاده می‌شود. البته گفتنی است که با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی این تحقیق در این مرحله نیازی به جمع‌بندی نظری نیست؛ اما به منظور غنای تحقیق این مطلب مورد تأمل قرار گرفته است.

پرسش پژوهش

با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی این مقاله پرسش کلی: تحلیل چگونگی نقش فساد اداری بر ایجاد بحران‌های اجتماعی است که البته داده‌ها براساس اعتراضات شکل گرفته (محدود) در دی‌ماه ۹۶ در شهرستان شهرکرد گردآوری شده است.

روش‌شناسی پژوهشی

این مقاله با روش کیفی انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق و روش تحلیل داده‌ها روش تحلیل مضمون (تماتیک) است. این روش برای تحلیل داده‌های کیفی مختلف از جمله مصاحبه‌ها، گروه‌های کانونی، پرسش‌نامه‌های باز، متون دینی و تاریخی استفاده می‌شود [۳۴] و از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی مستقل (ص ۱۵۶) و به معیارهای کمی بستگی ندارد (ص ۱۶۱). بویاتزیس (۱۹۹۸) آن را الگویی می‌داند که در داده‌ها یافت می‌شود و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به‌طور کلی مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به‌زعم پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاص در رابطه با پرسش‌هاست (ص ۱۵۶). بر این مبنای محقق مصاحبه‌های عمیق ضبط‌شده را می‌توان پس از پیاده‌سازی و چندین بار مرور در ۳ مرحله خرد کردن متون مصاحبه‌ها (تجزیه متن به پاره‌گفتارها،

شناخت مضامین، ساختن شبکه مضمونی، نظم بخشی، بازآرایی و استخراج مضامین)، کاوش متن (توصیف و کشف شبکه مضمونی، توصیف ظاهر و کشف روابط شبکه) و در نهایت یکپارچه‌سازی یافته‌های اکتشافی (توصیف الگوها) به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بررسی کرد.

در مرحله نهایی پژوهشگر یافته‌های به‌دست‌آمده را بر اساس شبکه مضامین (مدل بسط‌داده‌شده آتراید و استرلینگ در سال ۲۰۰۱) در ۳ محور مضامین پایه (استخراج پایین‌ترین سطح قضایای پدیدها از متون)، مضامین سازمان‌دهنده (دسته‌بندی مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر) و مضامین فراگیر (مضامین عالی و دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) در قالب شبکه تارنما رسم و ارائه کرده است.

جامعه آماری

این تحقیق در شهرستان شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با بافت چند قومی و گویشی انجام شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی است. در این روش محقق با شناسایی مطلعان از موضوع مطالعه را آغاز و سپس طیفی از افراد را به‌طور هدفمند در امتداد یا بر حسب ابعاد مسئله انتخاب کرده تا مورد انتقاد تک‌بعدنگری و غفلت از جنبه‌های مورد بررسی قرار نگیرد. بدین جهت نمونه آماری این پژوهش را ۲۳ نفر از افرادی که بعد از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ به لحاظ تخصصی و شغلی در سازمان‌های مختلف در جریان مستقیم و غیرمستقیم با آن رویداد قرار داشتند، تشکیل می‌دهد. مصاحبه‌ها در بیست‌ویکمین گفتگو به اشباع اطلاعاتی رسید که با انجام ۲ مصاحبه دیگر و اطمینان از اضافه نشدن اطلاعات جدید خاتمه داده شد. شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها را ۴ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، ۳ نفر هم از مجموعه‌های استانداری، ۲ نفر نیروی انتظامی و ۲ نفر دادگستری، ۴ نفر از مجموعه خبری، ۴ نفر از مجموعه تلویزیون و ۴ نفر از مجموعه رادیو تشکیل دادند.

به لحاظ مدرک تحصیلی ۵ نفر دکترا، ۴ نفر دانشجوی دکترا، ۱۴ نفر کارشناسی ارشد در رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، علوم انتظامی، مدیریت دولتی، ارتباطات و رسانه هستند. مصاحبه‌ها از ۱۲۰ تا ۱۸۰ دقیقه به طول انجامید که در بعضی از موارد انجام مصاحبه به لحاظ محدودیت‌های شغلی به سختی صورت گرفت.

قلمرو پژوهش

به منظور اعتبار بخشیدن به این پژوهش ۳ قلمرو موضوعی (ماهیت بحران اجتماعی متأثر از فساد اداری)، قلمرو مکانی (استان چهارمحال و بختیاری) و قلمرو زمانی (با تأکید بر وقوع اعتراضات گسترده دی‌ماه ۱۳۹۶) در نظر گرفته شد.

یافته‌های تحقیق

مجردتر و انتزاعی‌تر) که در ایجاد بحران اجتماعی نقش دارند، به‌دست آمد. از ۴۶۰ عنوان مضمون پایه (استخراج پایین‌ترین سطح قضایای پدیده از متون) به‌دست آمده بخشی از آن به دلیل تکراری و مشابه بودن حذف و لزوماً به اهم آن‌ها در بحث و نتیجه‌گیری اشاره شده است. مضامین فراگیر به‌دست آمده از نقش فساد اداری در ایجاد بحران‌های اجتماعی عبارتند از: ۱- تلقی مجرمانه از عملکرد دولت ۲- کاهش تاب‌آوری اجتماعی ۳- فضای بسته سیاسی ۴- نهادینه شدن فساد ۵- ناکارآمدی نهادهای نظارتی و قوانین ۶- کاهش انسجام اجتماعی ۷- ازهم‌گسیختگی اقتصاد ۸- ترجیح قوم‌سالاری بر شایسته‌گزینی در سازمان‌های استانی.

جدول شماره ۲ و ۱ حاوی خلاصه‌ای از مفاهیم شناسایی شده از متون و پیاده‌سازی آن بعد از ضبط است که به دلیل حجم بالا از درج کامل آن صرف نظر شد. همان‌طور که گفته شد، پس از چندین بار مرور متون مصاحبه‌شده ابتدا به تجزیه متن (احصای پاره‌گفتارها، کدگذاری و شناخت مضامین)، کشف شبکه‌های مضمونی، سپس به یکپارچه‌سازی مضامین و توصیف الگوها پرداخته شد. پس از بررسی‌ها ۸ مضمون فراگیر (مضامین عالی و دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) و ۲۶ مضمون سازنده (دسته‌بندی مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول

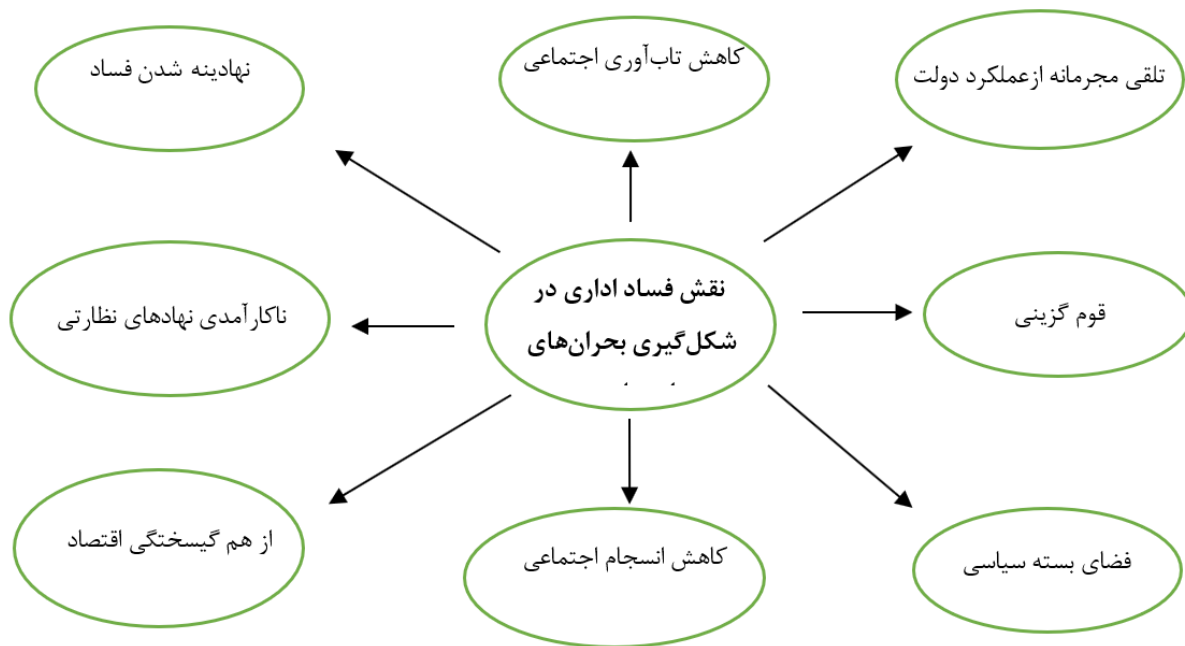
جدول ۱- بخش خلاصه‌شده از مفاهیم شناسایی شده

مفاهیم پایه	استخراج تم
نبود رسانه‌های آزاد	فضای بسته سیاسی
حمایت از دستگاه‌های دولتی بحران‌ساز (بانک‌ها و مؤسسات مالی) به جای محاکمه مدیران مفسد. مردمی که مالباخته بودند، سرکوب شدند.	عدم پشتیبانی دولت از مردم در تأمین خسارت و در عوض حمایت دولت از مؤسسات بانکی
تکرار اشتباهات و درس نگرفتن از اعتراض‌ها و عمل تسکینی	عدم توجه به علائم اولیه بحران‌ها
نارضایتی کارگری و صنفی گسترده	احتمال آشوب و شورش‌های کارگری
بی توجهی به سایر اقوام در عوض توجه به اقوام مقامات و مناطق آن‌ها	قوم و خویش‌گرایی
تجمیع نارضایتی مثل فنر‌ها می‌شود و نتیجه قابل پیش‌بینی نیست.	غیر قابل پیش‌بینی بودن جرعه بحران
انتظارات و مطالبات اجتماعی برای دولت اهمیت ندارد.	نشندیدن صدای مردم
در شرایطی که تحریم هستیم و بیکاری زیاد است، چرا شرکت‌ها تعدیل نیرو و کوچک‌سازی می‌کنند؟	سیاست گذاری‌های بدون ملاحظات اجتماعی
وقتی فردی بیکار است، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و اعتراض حداقل کاری است که می‌تواند بکند.	رابطه افزایش بیکاری با احتمال اعتراضات اجتماعی

جدول ۲- بخش خلاصه‌شده از مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
فساد موجب ناامنی است/ اعتراضات دی‌ماه ۹۶ (علاوه بر ریشه مال‌باختگی، اخراج و تعدیل نیرو، بیکاران و بازنشستگان، کم درآمدها و...) ریشه در فساد دارد/ اعتراضات (دی‌ماه ۹۶) از اولین نشانه‌های خشن علیه حاکمیت است/ دلیل اینکه با وجود فساد گسترده شورش‌ها هم گسترده نمی‌شود، حفظ امنیت و اقتدار کشور در مقابل دشمن است، نه چیز دیگر /	نارضایتی، اعتراض و آشوب	کاهش تاب‌آوری اجتماعی
انتصابات قومی موجب می‌شود اقوامی که سهم کمتر یا اصلاً سهمی ندارند را نسبت به دستگاه‌های دولتی بی‌اعتماد و حتی بشوراند/ ملموس بودن انتصابات قومی در استان/ یکی از علل فشارهای سیاسی به استاندار اسبق انتصابات قومی بود/	فقدان شایستگی و خویشاوندگرایی در انتصابات	قوم‌سالاری
فساد اداری (ارتشاء، اختلاس، رانت و ...) مبین عدم صداقت مدیران است/ تصمیماتی که برای رانت است نه توسعه/ مدیران ارزشی‌نما غالباً مفسدان اقتصادی‌اند/ مدیری که دعوت به نماز اول وقت می‌کند، اما خودش به فساد اداری و اخلاقی اشتهار دارد/ رواج دورویی در غالب مدیران/ بعضی مدیران گاهی تظاهر به چپ و اصلاح طلب و گاهی به اصول‌گرایی دارند/	رواج نفاق سیاسی	تلقی مجرمانه از عملکرد دولت
فساد خواص و عالی‌رتبه‌گان دولت و بستگان نزدیک به آنها بی‌ثبات‌ساز است/ رشد فزاینده تورم در ۲ و ۳ اخیر در بازار سکه، طلا، و ارز قبل از اعمال تحریم‌های جدید ترامپ نشان دهنده فساد مقامات فرصت‌طلب است (اخبار خرید بیش از ۵۰ درصد سکه کشور توسط چند نفر، خبر ممنوع‌الخروج شدن رئیس سابق بانک مرکزی وقت/	فساد مقامات ارشد و نخبگان	

نمایه ۱: علل مؤثر بر ایجاد بحران‌های اجتماعی ناشی از فساد اداری، استخراج شده از مضامین



۱) کاهش تاب‌آوری اجتماعی

کاهش آستانه تحمل از جمله نکاتی است که به انحاء مختلف در مفاهیم و پیام‌های مصاحبه‌شوندگان قابل درک بود. به نظر فریدلند تاب‌آوری را توانایی سازگاری جامعه‌ای در تحمل ناملایمات و بحران‌ها در حوزه‌های گوناگون بدون آسیب رساندن به ارزش‌های محوری جامعه و نهادها می‌داند [۳۵]. یافته‌ها گواه آن است که فساد اداری بیشترین نقش را در تخریب ارزش‌های معنوی و مادی جامعه‌ای بر جای می‌گذارد. دیگر اینکه اگر تلقی جامعه بر تأثیر گسترده فساد بر کیفیت زندگی آن‌ها باشد، آستانه تحمل عمومی را به سوی وقوع بحران‌های اجتماعی آسیب‌پذیر خواهد ساخت.

۱-۱) نارضایتی، اعتراض و آشوب

اعتراضات دی‌ماه سال ۹۶ نشان داد که فساد در نظام بانکی ظرفیت ایجاد کنش‌های اعتراضی را دارد. با اجتماع اولیه مال‌باختگان و سپس با حضور سایر معترضان چون بیکاران (اعم از فارغ‌التحصیلان، اخراج‌شدگان ناشی از خصوصی‌سازی و سیاست‌های تعدیل، بیکاران صنایع تعطیل‌شده در اثر تحریم‌ها)، بازنشستگان، کارگران با حقوق‌های معوق‌شده به سرعت هسته‌های اولیه اعتراضات تشکیل شد. در یکی از مصاحبه‌ها به این نکته اشاره شد که «اعتراضات دی‌ماه اولین نشانه‌های خشن علیه حاکمیت» بود که با اظهارات وزیر کشور مبنی بر انتقال و گسترش سریع اعتراضات به ۱۰۰ شهر و وقوع نزاع در ۴۶ شهر [۳۶] همخوانی دارد. شواهد مبین آن است که فساد اداری، نافرمانی مدنی و اعتراض علیه حاکمیت به‌ویژه در لحظه جرقه بحران بدون برخورداری از رهبر و سازمان جنبشی به‌طور مؤثری موجه می‌سازد.

۱-۲) کاهش انگیزه حمایت‌گرایانه مردم از دولت به‌ویژه در زمان وقوع بحران‌ها

طولانی شدن تأثیر فساد بر زندگی مردم، ناامیدی نسبت به اصلاح امور در آینده، طولانی شدن دوران اضطراب ناشی احتمال

جنگ و نگرانی اقتصادی توأم با وجود فساد از جمله نکات فرسایشی است که در بلندمدت می‌تواند بر رضایت شهروندان تأثیرگذار باشد. یافته‌ها مبین آن است که فساد اداری حتی اگر مستقیماً به شورش منجر نشود، احتمال عدم حمایت از حاکمیت را در زمان وقوع بحران به‌ویژه جنگ افزایش می‌دهد.

۳-۱) بی‌تفاوتی، فرار یا واکنش نخبگان

چنانچه نخبگان ادراک فاسدی از نظام اداری داشته باشند، در ۴ وضعیت پیوستن به چرخه فساد و همزیستی (بغرنج‌تر شدن مسئله اجتماعی)، خود را به خاموشی زدن، فرار، مهاجرت و انجام اقدامات واکنشی ضد وضع موجود قرار می‌گیرند. روشن است که فقدان حضور نخبگان باعث افزایش هزینه‌های اداره کشور (یا سازمان‌ها) شده که این هزینه‌ها با تحمیل شرایط بر مردم برای جبران کاستی‌های مالی بار نارضایتی را فروزنت می‌سازد.

۲) نهادینه شدن فساد

تحلیل‌های مضمونی ۲ علت میانجی و غیرمستقیم فرهنگ متعارض و کاهش پایبندی به ارزش‌های فرهنگی را در تولید نارضایتی عمومی و کنش‌های اعتراضی شناسایی کرده است.

۱-۲) فرهنگ متعارض

تحلیل مضامین بر تعارض فرهنگی ما اشاره دارد. اینکه شعارها بر جمع‌گرایی اما خروجی رفتارها بر اصالت بخشیدن به منافع فردی حکایت دارد، از نکات کلیدی در رواج فساد اداری است. یافته‌ها مبین ۲ نکته است؛ اول تا زمانی که فساد اداری منافع فردی شهروندان را متأثر نسازد، واکنش‌های اجتماعی (به دلیل فردگرایی جامعه) به‌طور عمده بی‌تفاوتی و یا با تأخیر خواهد بود. اما در صورتی که شهروندان به‌طور مستقیم منافع خود را در خطر ارزیابی کنند، کنش‌های اجتماعی تسریع خواهد شد. دوم اینکه مفسد اقتصادی تا زمانی که در قدرت باشد، مورد احترام عمومی است و فرهنگ تهدید برای پایگاه اجتماعی مفسدان تلقی نمی‌شود. (قدرتمند بودن بر فساد افراد در یک توافق نانوشته ارجحیت دارد.)

۲-۲) افول پایبندی به ارزش های فرهنگی یافته‌های مضمونی گواه بر آن است که استمرار فساد به لحاظ فرهنگی موجب کاهش حساسیت های فرهنگی، کاهش تأثیر پیام‌های دینی بر رفتار شهروندان و عادی سازی فساد خواهد شد و این یافته با بحث آنومی دورکیم مبنی بر «الزام آور نبودن قواعد اجتماعی و ضعف مطلوبیت در پیروی از آن‌ها» قرابت دارد.

۳) تلقی مجرمانه از عملکرد دولت

پس از تجزیه و تحلیل و کشف ارتباط معنایی متون مضامین سازنده زیر به عنوان مصادیقی از تلقی مجرمانه بودن رفتار دولت از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان استخراج شد:

۳-۱) رواج نفاق سیاسی

مصاحبه‌شوندگان بر دورویی سیاسی، بروز رفتارهای دوگانه و ارزشی نمایی به عنوان ویژگی های رفتاری مدیران با هدف گمراه کردن کارکنان و جامعه از ماهیت اقدامات نامشروع تأکید دارند. این بخش با یافته‌های دانایی فرد و همکارانش (۱۳۹۴) با عنوان «نفاق بوروکراتیک» در تحقیقی با عنوان واکاوی و تحلیل تبعات سیاست زدگی بوروکراسی در نظام های سیاسی [۳۷] وجوه مشترکی دارد.

۳-۲) فریب افکار عمومی

یافته‌های این بخش پژوهش به زعم افراد مورد مصاحبه بر فریب برنامه‌ریزی شده افکار عمومی توسط مقامات فاسد حکایت دارد. فریب به معنی مدیریت عامدانه پیام های کلامی و غیر کلامی است؛ به گونه‌ای که گیرنده پیام را باور کرده، اما فرستنده پیام از کیفیت نادرست آن آگاه است. ارائه اطلاعات غلط، سوخته، کوچک نمایی یا سانسور اخبار فساد به عنوان اقدامات هدفمند برای فریب افکار عمومی از مضامین پایه این بخش است. از دیدگاه سوژه ها این رویه به عنوان مشی غالب صداوسیما در مقایسه با سایر رسانه‌های برجسته تر ارزیابی شده است. این یافته با یافته‌های بهشتی و خان محمدی (۱۳۹۹) مبنی بر اینکه رسانه‌های دولتی کمتر نسبت به پوشش اخبار فساد اداری فعالیت دارند [۳۸] قرابت دارد. روشن است که استمرار این باور به افول اعتماد عمومی نسبت به رسانه ملی، کاهش توان مرجعیت و در نهایت به کاهش توان رسانه ملی در مدیریت بحران‌های اجتماعی منجر خواهد شد.

۳-۳) فساد سیاسی (بالا به پایین)

وجود فساد سیاسی در سطح مقامات ارشد دولت به ۳ علت از مصادیق مجرمانه تلقی شده است. الف- ممانعت و بهانه تراشی برای فعالیت منتقدانه احزاب، ب- اعمال فشار سیاسیون بر نظام دیوانی با هدف رانت جوئی و ج- سبک زندگی اشرافی خواص سیاسی در جامعه تحریمی. تأثیر این ۳ عامل به گونه‌ای که مقامات ارشد به آسانی قادر به شنیدن صدای ناراضی مردم به عنوان علائم ابتدایی بحران نیستند. فساد سیاسی (بالا به پایین) بیشترین تأثیر گستاخانه را در رواج فساد اداری در ذهن افراد مورد مصاحبه بر جای گذاشته است.

۳-۴) فساد بوروکراتیک

رابطه فساد اداری (پایین به بالا) و فساد سیاسی (بالا به پایین) از یک وضوح خاصی برخوردار است؛ اما آنچه قابل

توجه است، اینکه مصاحبه‌شوندگان قبل از آنکه بر چرایی علل وقوع، رابطه حمایتی-سلسله مراتبی و تعاملی این ۲ در وقوع فساد اداری تأکید داشته باشند، بر ویژگی‌های انتسابی و کجروی فردی این ۲ دسته به عنوان مصادیق مجرمانه رفتار دولت‌مردان (سیاسیون و بوروکرات‌ها) صحنه گذاشته‌اند. زیرا نه سیاسیون نقش نظارتی بر بوروکرات‌ها را به درستی اعمال و نه بوروکرات‌ها با ابزارهای قانونی از وقوع فساد ممانعت کرده‌اند.

۳-۵) افول اعتماد، مقبولیت و مشروعیت

در مضامین استخراج شده مفهوم ارزیابی عملکرد، استمرار و گستردگی فساد به دفعات به طور مستقیم و غیرمستقیم مورد اشاره بوده است. این ۳ مؤلفه می‌توانند در تأثیری تدریجی دامنه بی‌اعتمادی را از کارگزاران نظام اداری (از پایین به بالا) به کل حاکمیت تسری دهند. با شکل‌گیری باور عمومی به فراوانی فساد اداری و روند صعودی آن در سطح کلان حاکمیت عناصری چون الهی بودن، مقبولیت و قانون مداری حاکمان به شدت آسیب پذیر شده و اصل «کفایت حق حکمرانی و اطاعت پذیری مردم از فرامین دولت» مخدوش می‌شود. این یافته‌ها با نظرات آموندنسن مبنی بر چگونگی نگرش مردم از عملکرد دولت [۱۴] و میلر مبنی بر وقوع تعارض اجتماعی در صورت استمرار ناراضی‌تی در یک دوره زمانی [۳۹] همخوانی دارد. دیگر اینکه به زعم مصاحبه‌شوندگان رواج مطالب طنز سیاسی و مدیریتی در فضای مجازی از این مقوله ارزیابی شده است.

۳-۶) تضعیف کارآمدی نظام سیاسی-اداری

فسادهایی چون اختلاس، رانت، ارتشا، پورسانت با تحمیل اراده سیاسیون بر نظام اداری مهمترین عوامل در تحقق نیافتن اهداف اقتصادی، فقدان امنیت اقتصادی و عدم تحقق شعارهای خودکفایی و مانعی جدی در کارایی و اثربخشی دولت در اداره کشور دانسته شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان با تأمل می‌گوید: «این همه شعار خودکفایی دادیم، اما در تحریم‌ها مشخص شد که حتی خودروی ملی، مواد اولیه دستمال کاغذی، مواد اولیه صنایع را نداریم و چقدر وابستگی داریم». این مطلب با دیدگاه رز آکرمن (۱۹۹۹) مبنی بر اینکه حمایت مقامات ارشد فساد از طرح های پرهزینه و بیهوده‌ای که ارزش چندانی در پیشبرد توسعه اقتصادی ندارند [۴۰] همسویی دارد.

۳-۷) کج کارکردی و تعارض در عملکرد نهادهای دولت

آنچه در جرقه بحران دی ماه ۹۶ نقش کلیدی داشت، تعارض در کارکرد دولت نسبت به مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی بود. تعارض زمانی است که هدف های یک بخش هدف‌های طرف دیگر را به خطر می‌اندازد که در این وضعیت کشمکش و دشمنی آشکار می‌شود. دولتی‌ها به ظاهر با هدف حفظ منافع مؤسسات مالی خصوصی و شبه دولتی نسبت به جبران فوری خسارات به حق مال‌باختگان از سویی اهمال کرده و از سویی دیگر به علت زمانبر بودن رسیدگی به قصور مؤسسه مالی دچار غافلگیری و محدودیت شده و ناخواسته زمینه‌های تشکیل اجتماع (پس از نامیدی مال‌باختگان از اقدامات قانونی) معترضان را فراهم کردند.

تضاد در کارکرد یعنی امر وجودی که در زمان و مکانی اجتماع نمی‌کند و یکی از اقسام تقابل است. اینکه دولت مدعی خیر عمومی است، اما رفتار از دیدگاه عموم مغایر ارزیابی شود، می‌تواند حساسیت‌های اجتماعی را برانگیزاند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها گواه آن است که در شرایط وجود فساد اداری وابستگان تیم مدیران ارشد فاسد تنها به چشم‌پوشی از حقایق به جای افشاگری اکتفا نکرده، بلکه با بزرگ‌نمایی عملکرد مقام مافوق، دستکاری آماری، محبوب‌نمایی مافوق و با ترور شخصیت افراد مصلح، منتقد و ذی-حق راه را برای استمرار فسادهای کلان در بلندمدت مهیا می‌سازند.

فرآیند تیم‌سازی در شرایطی که دامنه آن به انتصاب مدیران حراست و بازرسی دستگاه‌ها برسد، در نقطه بحرانی تری قرار می‌گیرد. زیرا این مدیران سهم مهمی را در فرآیند پنهان‌کاری به جای حفاظت از ثروت و اموال عمومی، با نمایش بیشتر وفاداری خود به مافوق از طریق سرکوب و برچسب زنی به منتقدان و افشاگران فساد ایفا می‌کنند. بدیهی است که مفسدان بدون داشتن آرمان، ایدئولوژی و تعلق سرزمینی با کور کردن آخرین روزنه‌های اصلاحی موجب افزایش نارضایتی در لایه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند.

۴) فضای بسته سیاسی

طبق یافته‌ها فساد موجب می‌شود تا ذی‌نفعان قدرتمند برای گریز از پاسخگویی به عملکرد سازمان‌های دولتی در قبال مصرف منابع عمومی، فضای اداری-سیاسی را به تدریج دچار انسداد کنند و بدین‌جهت بسته بودن فضای سیاسی یکی از عوامل مهم در تولید فساد اداری و شکل‌گیری نارضایتی ارزیابی شده است. این یافته با یافته سونسن (۲۰۰۳) در اروپای غربی و شرقی مبنی بر اینکه تمرکز قدرت در نظام سیاسی به علت انحصار بوروکرات‌ها به فساد منجر می‌شود [۱۷] قرابت دارد. در این باره ۳ مضمون سازنده فقدان شفافیت و پنهان‌کاری، کنترل شدید بر رسانه‌های جمعی، آگاهی‌بخشی پایین و تمرکز بر شورا‌افزایی سیاسی احصا شد.

۴-۱) فقدان شفافیت و پنهان‌کاری

تحلیل مضامین گواه آن است که فساد اداری ماهیتاً مانع شفاف‌سازی است؛ زیرا هرگونه دست‌اندازی به منابع دولتی و عمومی در شمولیت تخلف و جرم قرار می‌گیرد و از این‌رو پنهان‌کاری و عدم اطلاع‌رسانی اقدامی هدفمند است. این یافته با ادعای نرگسیان و همکارانش (۱۳۹۷) در مقاله‌ای مبنی بر اینکه اثر شفافیت بر فساد معکوس است، زیرا ضمن کاهش فساد، رضایت شهروندان افزایش می‌یابد [۱۷] همخوانی دارد. اما یافته‌های مضمونی تأکید دارد که برای شفاف‌سازی ضرورت دارد تا با تفکیک پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، نارضایتی‌ها و اعتراض‌های اجتماعی ناشی از فساد را کاهش دهیم.

۴-۲) کنترل شدید بر رسانه‌های جمعی

یافته‌های این بخش بر کنترل شدید، مستقل نبودن و اعمال فشار ۳ قوه بر صداوسیما، محافظه‌کاری رسانه‌ها و نبود رسانه‌های آزاد در انتشار اخبار فساد به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در باور به انسداد سیاسی و امن‌سازی محیط اجتماعی

مفسدان تأکید دارد.

۳-۴) آگاهی‌بخشی پایین و تمرکز بر شورا‌افزایی سیاسی نتایج حاصل مؤید آن است که مأموریت رسانه ملی تنها اطلاع‌رسانی محدود از اخبار فساد اداری نیست؛ بلکه با فرهنگ‌سازی و آموزش پیوسته شهروندان می‌تواند تأثیر مثبتی در تقویت نظارت اجتماعی شهروندان و مطالبه‌گری مدنی از عملکرد دولت و مقابله با کج‌روی‌های آن داشته باشد. این یافته با نتایج زارع و همکارانش (۱۳۹۵) در این باره که با افزایش آگاهی مردم درباره کنترل فساد و سازکارهای نهادها بیشتر و بهتر به عملکرد حاکمیت واکنش نشان می‌دهند [۳۸] تناسب دارد.

۵) از هم‌گیسختگی اقتصادی

مضامین به‌دست‌آمده مؤید آن است که فساد اداری نقش برجسته‌ای را در از هم‌گیسختگی نظام اقتصادی ایفا می‌کند که با توجه به شمولیت اقتصاد به تبع موجب نارضایتی‌های گسترده عمومی را فراهم خواهد آورد. یافته‌های این بخش با تحقیق‌های پاتریک (۲۰۱۶) که مدعی است فساد موجب انحراف و تخصیص نامناسب منابع، تبدیل ثروت عمومی به ثروت شخصی، تورم، توسعه نامتوازن، اخلاق غیر حرفه‌ای کاری و مانعی جدی در بازارهای عادلانه می‌شود. [۱۵] و ادعای بروک و همکارانش (۱۳۹۴) از این بعد که دولتی شکننده است که ساختار آن فاقد اراده در کاهش فقر، پیشبرد توسعه و تأمین امنیت باشد [۲۵] همخوانی دارد.

۵-۱) تحقیر اجتماعی مناطق بی‌بهره متأثر از توزیع ناعادلانه امکانات و منابع

یافته‌ها مبین آن است که مقامات ذی‌نفوذ محلی (یکی از استانداران اسبق بومی) با اعمال فشار بر نظام اداری منابع را بدون لحاظ شاخص‌های توسعه به مناطق دارای وابستگی خود هدایت می‌کرد. بدیهی است توزیع ناعادلانه امکانات و اعتبارات موجب رواج بیشتر بی‌عدالتی و با مشاهده فقر مناطق بی‌بهره به تحقیر اجتماعی و نارضایتی آن مناطقی که دارای بافت قومی بوده و فاقد سهم لازم در قدرت هستند، منجر خواهد شد.

۵-۲) کنش‌های کارگری و عمومی ناشی از افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات

فساد اداری، مدیران بخش دولتی و خصوصی را وادار می‌سازد تا برای جبران کاستی‌های ناشی از فساد یا به افزایش قیمت محصولات و خدمات اقدام کرده و یا با اتخاذ سیاست‌های انقباضی (اخراج، قطع اضافه کار، محدودشدن امکانات رفاهی و ...) روی آورده که ضمن افزایش بیکاری و نارضایتی با منشأ کارگری و افزایش قیمت‌ها و تحمیل آن بر عموم احتمال وقوع بحران‌های اجتماعی را افزایش خواهد داد.

۵-۳) بحران اجتماعی ناشی از سیاست اقتصادی کوچک‌سازی و خصوصی‌سازی

مطابق با یافته‌ها به نظر می‌رسد اجرای سیاست‌های کوچک‌سازی و خصوصی‌سازی در مقایسه وسیع با شرایط فرهنگی-اجتماعی این استان سازگاری چندانی ندارد و ضمن ایجاد تردید و نگرانی‌هایی برای ثبات شغلی، رواج بی‌عدالتی و بهره‌کشی کارگری فرصت مناسبی را برای تولید رانت‌های فسادآور ایجاد می‌کند. شواهدی از اعتراضات خیابانی کارگران از جمله نیشکر هفت‌تپه، گروه ملی فولاد اهواز و ... با ریشه خصوصی‌سازی رانتی دیده شده است.

۴-۵) ناراضی‌های متأثر از انحصار اقتصادی

اینکه عده‌ای به دلیل وجود انحصار مجوز حضور در عرصه بازار رقابتی را ندارند و اینکه تعدادی هم به سهولت کنترل بر عرضه و تقاضای بازارهای چون دارو، شکر و خودرو را خارج از اراده دولت در دست دارند، نیازمند ایفای نقش جدی تر دولت در تنظیم بازار برای کاهش ناراضی‌های اجتماعی است.

۵-۵) کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

از یافته‌ها استنباط می‌شود که در بی‌نظمی اقتصادی مفسدان با شبکه‌سازی و سوء استفاده از اختیارات خود به مانع‌تراشی اداری برای دریافت‌های نامشروع از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از مرحله صدور مجوز تا بهره‌برداری، فروش و صادرات اقدام می‌کنند. روشن است در این زنجیره فساد هم چون مالیات‌ناوشته‌ای است که دوباره به افزایش قیمت تمام‌شده خدمات ارائه‌شده به شهروندان منتهی خواهد شد.

۶) ترجیح قوم‌سالاری بر شایسته‌گزینی در سازمان‌های محلی

نتایج گواه آن است که در استان مورد بررسی انتصابات بدون توجه به حداقل شایستگی‌ها بر ۳ مبنای قومیتی (بالاترین میزان)، منطقه‌ای (همشهری و هم‌زبانی در میزان متوسط) و سیاسی-جناحی با کمترین میزان قرار دارد. مضامین سازنده با توجه به بافت و فرهنگ استانی بر ۲ مقوله زیر تأکید دارد:

۱-۶) قوم‌گزینی و آثار آن در سازمان‌های محلی

یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که با انتصاب یکی از استانداریان بومی، تعادل در چینش مناصب به سوی یک قومیت تغییر کرد و این یکی از علت‌های فشار برای تغییر استانداری توسط گروه‌ها و احزاب ذی‌نفوذ بود. از پیامدهای منفی آن می‌توان به بی‌اعتمادی، بدبینی، سرخوردگی سایر اقوام و نخبگان بی‌بهره از فرصت، افزایش حامی‌پروری، تضعیف پاسخگویی منصوبان به افکار عمومی در سایه حمایت مافوق، حذف فضای انتقادی، رواج استبداد سازمانی، فرار نخبگان، بی‌عدالتی و رواج قوم‌اندیشی اشاره کرد.

۲-۶) جذب افراد بی‌اراده در سازمان

نتایج حاصل از تحلیل مضامین مؤید آن است که استخدام افراد فاقد شرایط احراز، مطیع محض، ترسو و بی‌اراده با ضریب هوشی پایین لزوماً نظام اداری را به بی‌حرکی و سکوت سازمانی هدایت کرده و اصطلاح «مدیریت نادان‌ها در سازمان» را قوت می‌بخشند. بدیهی است این کارکنان با مشاهده غارت ثروت ملی و مبارزه با آن خود را به کوری زده و حتی به قیمت سقوط حکومت به حفظ منافع شخصی خود تن می‌دهند.

۷) ناکارآمدی قوانین و دستگاه‌های نظارتی

تحلیل مضامین گویای آن است که صرف نظر

از کارآمدی یا ناکارآمدی، قوانین و مقررات حاکم مؤثرترین ابزار برای نهادهای نظارتی (اعم از حاکمیتی و سازمان‌ها) هستند. ۳ مضمون سازنده فقدان اثربخشی قوانین (فقدان غلبه مجازات بر سود)، قانون‌گریزی (تفسیرپذیری و وجود راه‌گریز از حدود و شمول آن)، ضعف دستگاه‌های نظارتی (حاکمیتی و درون‌سازمانی) مهمترین دلایل ناراضی‌تراشی اجتماعی هستند.

۸) کاهش انسجام اجتماعی و مقدمات بحران اجتماعی

بررسی و استنتاج مضامین مؤید آن است که فساد اداری نقش مهمی در افول مشارکت سیاسی، کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و افزایش نابسامانی اجتماعی به‌عنوان ۳ مضمون سازنده در کاهش انسجام اجتماعی را دارند.

۱-۸) افول مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی از الزامات پایداری هر نظام سیاسی در مقابل تهدیدات به‌خصوص در تهاجمات نظامی است. شرایط فعلی مشقت زندگی مردم در اثر تحریم‌ها و هم‌زمان زندگی اشرافی مقامات ارشد و وفور اخبار ناشی از فساد در رسانه‌ها موجب بی‌اعتمادی عمومی به ارکان حاکمیت شده که پیامد تدریجی آن کاهش مشارکت سیاسی (شرکت در انتخابات و راهپیمایی سیاسی حمایت از حاکمیت) و کاهش همکاری مردم با حاکمیت در مدیریت بحران‌ها به‌ویژه در صورت تهاجم نظامی خواهد بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان علت طرح شعار «نه غزه؛ نه لبنان» در سال‌های اخیر را در سیاست خارجی نظام نمی‌دانند؛ بلکه آن را به فساد اداری و سخت شدن زندگی مردم پیوند می‌دهد.

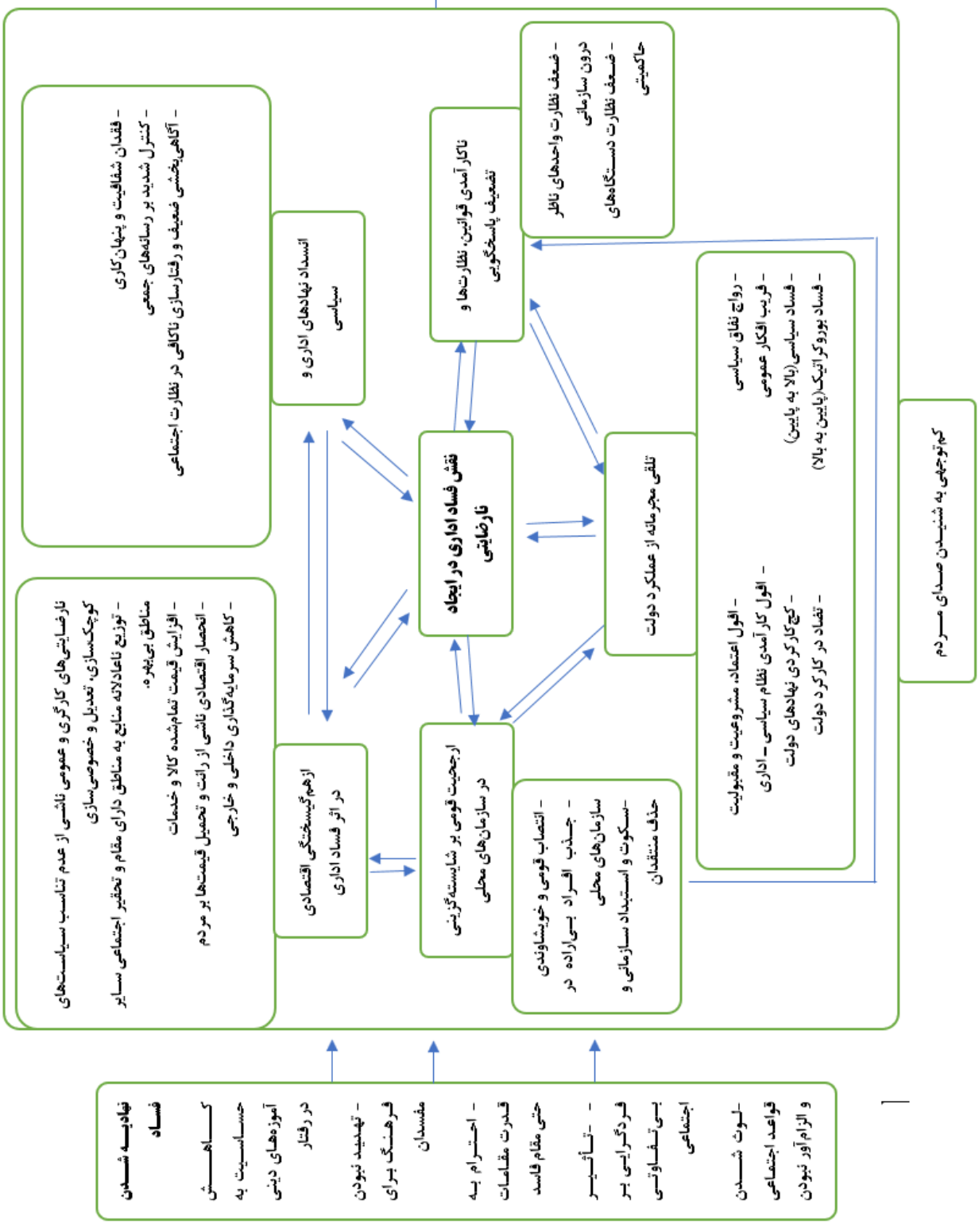
۲-۸) کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها

تحلیل یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که فساد برای کسب منافع شخصی با اصل پاسخ‌گویی مقام‌ها در قبال عملکرد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان در تضاد قرار می‌گیرد.

۳-۸) افزایش نابسامانی اجتماعی

نتایج مبین آن است که جرقه اعتراضات دی‌ماه ۹۶ واکنشی به فساد مؤسسات مالی دولتی و شبه دولتی بود که به‌سرعت طیفی از معترضان را با هدف نه به‌گرانی و اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت با خود همراه کرد. تحلیل مضامین نشان داد در شرایط فراوانی فساد اداری تعامل و همکاری اجتماعی زمانی که در طرفی مقامات فاسد و در طرف دیگر آن فقرا و آسیب‌دیدگان قرار گیرند، مخدوش می‌شود. توضیح اینکه فساد دولتی قابلیت و انگیزه انسجام بخشی بالایی در ساماندهی اعتراضی علیه حاکمیت را دارد.

**نمایه ۳ - تحلیل مضامین
چگونگی نقش فساد بر ایجاد
بحران‌های اجتماعی**



نتیجه گیری:

بحران‌ها از ملزومات هر نظام اجتماعی‌اند که با شدت و ضعف‌های متفاوت گاه تهدیدی مختل‌ساز و برهم‌زننده تعادل و ثبات نظام اجتماعی و گاه می‌توانند تا براندازی یک نظام سیاسی ایفای نقش کنند. بی‌تردید دولت‌هایی در برابر بحران‌ها دچار غافلگیری نخواهند شد که بتوانند با رصد مستمر تهدیدات و ارزیابی علائم اولیه بحران اقدامات پیش‌دستانه‌ای را در برقراری تعادل اجتماعی و نهادهای موجد نظم به عمل آورند؛ زیرا ناتوانی در مدیریت بحران‌های اجتماعی از منابع نیرومند بیگانگی توده‌ها از یک نظام سیاسی تلقی شده است.

دی‌ماه سال ۹۶ گونه‌ای از اعتراضات خیابانی را با ماهیتی متفاوت از سایر بحران‌های سیاسی-اجتماعی در حیات انقلاب اسلامی نمایان کرد؛ به نحوی که به‌زعم مصاحبه‌شوندگان «اولین نشانه‌های خشن علیه حاکمیت» تلقی شد. اعتراض‌هایی که متأثر از سرخوردگی توده‌ای و بدون برخورداری از رهبر و سازمان‌دهنده در مدت زمانی کوتاهی با شدت و سرعت توانست ۱۰۰ شهر کشور را درگیر و تصمیم‌سازان را دچار غافلگیری کند. آغازگر جرقه این اعتراض‌ها نسبت به فساد مؤسسات مالی و مقامات دولتی بانکی در ناراضی‌تراشی مسبوق به سابقه‌ای بود که در اثر شنیده نشدن صدای مال‌باختگان و اهمال در پرداخت سپرده‌ها به وقوع پیوست. ناامیدی سپرده‌گذاران از پیگیری شیوه‌های قانونی آن‌ها را به کنش‌های اعتراضی خیابانی هدایت کرد؛ به گونه‌ای که کلیدواژه فساد در فحوا‌ی شعارهای معترضان به وضوح شنیده شد. اگر چه به‌زعم محققان این کنش اجتماعی خشن حاشیه بر متن بیش از براندازی سیاسی بر اصلاحات دولتی متمرکز بوده است.

این مقاله با هدف ارائه تحلیلی از چگونگی نقش فساد اداری بر ایجاد بحران‌های اجتماعی انجام شده است. یافته‌های حاصل از استخراج و طبقه‌بندی مضامین گواه آن است که پدیده فساد اداری امروز توان و قابلیت آن را دارد که بدون بهره‌گیری از رهبری ضد حاکمیت جرقه بحران را در نقطه آغازین برانگیخته کرده و به‌عنوان یک توجیه‌گر قوی اقشار و طیف‌های متعدد اجتماعی را به‌سرعت متحد و منسجم کند. اگرچه پتانسیل کنش‌های اجتماعی خشن در ایجاد بحران‌های اجتماعی از حجم و شدت ناراضی‌تری اعضای جامعه‌ای از میزان قصور کارگزاران، نهادها و نظام سیاسی متأثر می‌شود.

دی‌ماه سال ۹۶ نشان داد که اگرچه اولین اجتماعات در اعتراض به مال‌باختگی سپرده‌گذاران مؤسسات بانکی (بخش خصوصی) شکل گرفت؛ اما به‌سرعت این ناراضی‌تی سایر اقشار چون بیکاران، فرهنگیان، اخراجی‌ها، آسیب‌دیدگان سیاست‌های خصوصی‌سازی و تعدیل، بازنشستگان و ... که بخشی از سختی زندگی خود را متأثر از فساد اداری دستگاه‌ها می‌دانستند را به‌عنوان حامیان به این اجتماعات پیوند داد. احساس بی‌عدالتی، ناامیدی از شیوه‌های قانونی اعتراضات نسبت به مؤسسات مالی، ناتوانی دولت در حل مسئله در کوتاه‌مدت، یأس و

ناامیدی از سخت‌تر شدن اوضاع، احساس محرومیت بیشتر و نگرانی از شدت یافتن آن در آینده روند این اعتراضات را تسریع کرد.

از نگاه مصاحبه‌شوندگان حجم و گستردگی فساد سبب شده تا به تدریج تلقی مجرمانه از عملکرد مقامات در اذهان عمومی شکل بگیرد. وجود کلیدواژه‌هایی چون رواج نفاق سیاسی، فریب افکار عمومی، فساد همزمان سیاسیون (از بالا به پایین) و بوروکرات‌ها (از پایین به بالا)، کج‌کارکردی و تضاد در عملکرد دولت باعث شده تا کارآیی و اثربخشی نظام سیاسی-اداری و اقتصادی تضعیف و پیامد آن افول اعتماد و به تبع افول مقبولیت و زیر پرسش رفتن مشروعیت حاکمیت شود. بدیهی است که افول مقبولیت و مشروعیت برای هر دولتی از عوامل تهدیدزای بالقوه تلقی می‌شود.

نقش فساد بر ناکارآمدی دیوان‌سالاری موجب اختلال ساختاری و به تبع تأثیر آن بر سیستم اقتصادی و معیشتی به‌عنوان متغیر میانجی یکی از مهمترین علل ناراضی‌تراشی است. یافته‌های این تحقیق بر ۲ نکته کلی در ایجاد ناراضی‌تی تأکید دارد. بخش عمومی چون نقش فساد بر افزایش قیمت تمام‌شده، انحصار اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و تحمیل مابه‌التفاوت درآمد تولید و فساد اداری از جیب مردم و بخش دیگر که پدیده‌ای خاص متأثر از بافت استان و ویژگی چندقومی آن است که در ۳ محور ذکر می‌شود. اول اینکه سیاست‌های کوچک‌سازی از جمله خصوصی‌سازی و تعدیل به لحاظ نارسایی‌هایی که در اجرا دارند، به بی‌ثبات کردن آینده شغلی می‌انجامد که با شرایط فرهنگی استان سازگاری ندارد. دوم اینکه با ایجاد فرصت‌های رانتی و ویژه بر شکاف طبقاتی، درآمدی و تمایز قوم غالب افزوده می‌شود و سوم اینکه توزیع نامتوازن امکانات در مناطق صاحب نفوذ به بی‌عدالتی، تحقیر و تحریک سایر اقوام بی‌بهره از قدرت و توسعه منجر می‌شود.

در نقش منفی فساد اداری بر اقوام باید گفت که علی‌رغم شعارهای حزبی دولت‌های پیروز و رفتارهای سیاسی-اداری در انتصابات مبین آن است که بالاترین میزان تصدی‌ها به ترتیب بر مبنای روابط قومی، هم‌زبانی و هم‌شهری گری بوده و انتصابات حزبی کمترین سهم را داشته است. به دلیل حداقل تناسب با مؤلفه‌های شایسته‌گزینی به‌شدت برای نخبگان اقوام بی‌بهره تحقیرکننده و حساسیت‌زا بوده است.

از دیگر عوارض مخرب قوم‌گزینی در استان آن است که پاسخگویی مقامات محلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها به‌شدت کاهش یافته؛ زیرا آن دسته از مقامات محلی که دچار کج‌کارکردی هستند، واقفند که انتصاب آن‌ها گونه‌ای از اشغال مناصب و به‌دور از شایستگی‌ها در سلسله مراتب اداری بوده است. بدین جهت برای حفظ موقعیت با اعلام وفاداری به حامی ایلی خود به مبارزه نانوشته با محیط پرداخته و به تدریج آسیب‌هایی چون رواج استبداد سازمانی، برچسب زنی، بی‌عدالتی و فرار نخبگان در استان را به‌عنوان عاملی دیگر در روند افزایشی ناراضی‌تی‌ها به ارمغان آورده است.

تحلیل مضامین گواه آن است که فرهنگ بیش از آنکه در مبارزه با فساد اداری تأثیر فعال داشته باشد، نقشی منفعل در فضای مولد آن داشته است. فرهنگ برخلاف شعارهای جمع‌گرایانه به‌طور عمدی از فردگرایی متأثر شده و تا زمانی که فساد اداری مانع منافع فردی نباشد، واکنش اجتماعی نسبت به فساد یا با بی‌تفاوتی یا با تأخیر خواهد بود و چنانچه منافع فردی در تهدید قرار گیرد، واکنش‌ها تسریع و اگر با وقوع بحران همراه شود (با هر منشأ) واکنش‌های اجتماعی توأم با خشونت و تخریبی خواهد بود. توضیح اینکه انگیزه غالب در پیوستن به اجتماعات را در مرتبه اول حس نوع‌دوستی تشکیل نمی‌دهد؛ بلکه دفاع از منافع فردی است که اجتماع را به یاری طلب می‌کند. دیگر اینکه به لحاظ تضعیف قواعد اجتماعی فرهنگ تهدیدی برای مفسدان اقتصادی ایجاد نمی‌کند. شواهد مبین آن است که مدیری مفسد تا زمانی که در مسند قدرت است، نه تنها از حمایت قانونی بلکه از حمایت‌های اجتماعی هم برخوردار است. به عبارتی قدرتمندی از منظر فرهنگ عمومی دارای ارزش و احترام است، حتی قدرتمند فاسد. کج‌کارکردی ناشی از فساد اداری باعث شده تا افکار عمومی سازمان‌های دولتی را تأمین‌کننده حقوق شهروندان ندانند (نشانه‌های تضاد دولت-ملت) و این امر بر مشارکت سیاسی که از الزامات پایداری هر نظام سیاسی در قبال دشمنان است، تأثیر منفی بر جای گذارد. سبک زندگی اشرافی مدیران در قبال فقر عمومی بر کاهش تعاملات اجتماعی و همکاری متقابل با دولت و در نتیجه کاهش ضریب انسجام اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی دامن زده است. بدیهی است کاهش آستانه تحمل و تاب‌آوری در شرایط گستردگی و استمرار فساد توأم با بیکاری و فقر جامعه ناراضیان را مترصد فرصت ساخته تا چنانچه شیرازه امنیتی و انتظامی کشور در اثر بحرانی فراگیر مورد وفاق عمومی تضعیف شود، اعتراض‌ها فوران کند. در آن شرایط به‌سرعت تعادل و نظم اجتماعی شکننده و فشار و محدودیت زمانی در اثر غفلت تصمیم‌گیران مضاعف خواهد شد. بدیهی است در چنین وضعی مدیریت بحران‌های اجتماعی به‌سرعت وارد لایه‌های سیاسی و امنیتی شده و بر شیوه‌های خشونت‌آمیز معترضان و مجریان افزوده خواهد شد. بدترین وضعیت را شرایطی تشکیل می‌دهد که تهاجم نظامی و یا حمایت گستاخانه خارجی همزمان با نارضایتی فزاینده، جرقه بحران داخلی را هم شعله‌ور کند که در آن صورت به دلیل فراگیری فساد اداری احتمال ضعیفی از حمایت مردم نسبت به حاکمیت پیش‌بینی می‌شود.

۸- فهرست منابع و مأخذ:

۱- گار، رابرت تد. (۱۳۹۹). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه مرشدی‌زاده، علی. چاپ ششم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

۲- موسوی‌دوست، سید محمد. (۱۳۹۸). علل و پیامدهای فساد اداری. فصل‌نامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. سال سوم. شماره ۵۲. جلد چهارم. زمستان. صص ۳۹-۹۳

۳- ساوه‌دروزی، مصطفی؛ خلیلی، ابراهیم و ملکی،

عباس (۱۳۹۲)، بحران‌های سیاسی و توسعه سیاسی در ایران، فصل‌نامه علمی - پژوهشی امنیت پژوهشی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۲

۴- نوروزپور، مرتضی (۱۳۹۸). تحلیل اعتراض‌های دی‌ماه ۹۶، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال چهارم، پاییز، صص ۲۲۰-۱۸۵

۵- درخشه، جلال و هراتی، محمدجواد (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی تأثیر نارضایتی انقلاب بر نظام‌سازی آینده انقلاب در ایران و مصر. ۲ فصل‌نامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان، صص ۵-۱۸.

۶- آرتز، پائول؛ ون‌دایک، پیترو، کلمن، اریش؛ استیتفا و دهان، غسان (۱۳۹۳)، از انعطاف‌پذیری تا شورش (تلاش برای فهم پدیده انقلاب‌های عربی). ترجمه التیامی‌نیا، رضا و سمیعی‌اصفهان‌نی، علیرضا. تهران: انتشارات تیسرا.

۷- WWW.Trancparency International, ۲۰۱۵

۸- Atuobi, Samuel M. (۲۰۰۷). Corruption and state Instability in West Africa: An Examination of Policy options - Peace and security

۹- Bamidele, O. (۲۰۱۳). Corruption, conflict and sustainable Development in African States. The African Symposium: An online journal of African Educational Research Network, (۱)۱۳ ۴۲.

۱۰- Hazy, J.K., Dooley, K.J., Demetris, D.S Backstrom, T., and Liechtenstein. B. (۲۰۱۶). Toward a Complexity - Informed definition of corruption. A complexity - informed definition of corruption ۲۵-۱.

۱۱- Jain, A.K. (۲۰۰۱). Corruption: A Review. Journal of Economic Surveys, Concordia University, (۱)۱۵,

۱۲- دوگرا، خیالت. واخنار، پیترو. فون مارافیک، پتريک. (۲۰۱۰). چشم‌اندازهای نظری فساد. ویراست دوم. ترجمه هانیبه هژیرالساداتی و دیگران (۱۳۹۴). تهران: آگاه.

۱۳- Nagat, Violeta Ioana., & Popa, Eliza-Titiana. (۲۰۲۰). Views on Corruption and some Theories on Causes of Corruption. "Carol I" National Defense University Security and Defense Faculty, (XVI)Part ۱۸۶-۱۷۹

۱۴- Amundsen, Inge (۱۹۹۷). Political Corruption: An Introduction to the Issues. Chr. Michelsen Institute Development Studies and Human Rights. Bergen: Norway.

۱۵- Patrick, H.P. (۲۰۱۶). Corruption and its Impact on Good Governance in the Caribbean. Contemporary Security and Defense Issues in the Caribbean. ۱۳۴ - ۱۲۳.

۱۶- Morris, S. & Clasher, J. (۲۰۱۰) "Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence from Mexico." Comparative Political Studies, ۱۲۸۵-۱۲۵۸ : (۱۰)۴۳.

۱۷- نرگسیان، عباس؛ جمالی، قاسمعلی؛ هراتی، مسعود؛ آذری، حسین (۱۳۹۷). بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان. فصل‌نامه مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص. ۲۸۹-۳۱۰

۱۸- رزم‌آهنگ، مهدی؛ صادقی شاهدانی، مهدی. (۱۳۹۹). واکاوی رابطه بین فساد عینی و ادراکی با مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته. فصل‌نامه مجلس و راهبرد. سال بیست‌وهفتم، شماره صدوسوم. پاییز. صص ۳۱-۵۰

۱۹- فاضلی، محمد؛ جلیلی، محدثه. (۱۳۹۷). بررسی بین کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست‌ونهم، شماره پیاپی (۷۰). شماره دوم. تابستان ۱۳۹۷. صص ۱۹۱-۲۱۰

۲۰- امیری، مهدی (۱۳۹۴). ریشه‌ها، مصادیق و پیامدهای فساد انتخاباتی، مجلس و راهبرد سال بیست‌ودوم تابستان، شماره ۸۲

۲۱- احتشامی، علی؛ بیات، بهرام؛ سام دلیری، کاظم؛ شعبانی، مرحوم ناصر. (۱۳۹۸). مدیریت بحران‌های اجتماعی ناشی از نقاط بحرانی در کلانشهرها. فصل‌نامه پژوهش‌های دانش انتظامی. سال بیست‌ویکم. شماره سوم پاییز

۲۲- باغبانی، غلامرضا؛ یعقوبی، دکتر نورمحمد؛ ابراهیم‌زاده، دکتر عیسی؛ خاشعی، دکتر وحید. (۱۳۹۹). تبیین الگوی مدیریت بحران‌های اجتماعی با رویکرد امنیتی، مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان. فصل‌نامه ژئوپلیتیک. سال شانزدهم، شماره دوم. تابستان. صص ۸۸-۱۱۷

۲۳- قائدی، محمدرضا (تابستان ۱۳۸۲)، مؤلفه‌های نظری بحران، راهبرد، شماره ۲۸.

۲۴- محمدی لرد، عبدالحمود (تابستان ۱۳۹۱). بهبود پیش‌بینی در تحلیل اطلاعاتی؛ مطالعه موردی بی‌ثباتی سیاسی خرمیانه، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، ستاره دوم، صص ۹۱-۱۱۶.

۲۵- بروک، لوتار. هنریک هلم، هانس. سورنسن، جرج و استول، میشل. (۲۰۱۰). دولت‌های شکننده- جامعه‌شناسی جنگ و منازعه در دنیای مدرن، ترجمه: احمد رشیدی (۱۳۹۴). تهران: نشر اسپید.

۲۶- ساندرز، دیوید. (۱۹۸۱). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، چاپ سوم، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۹۶). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۷- رئیس‌دانا، فریبرز. (۱۳۸۴). علل، عوامل و انگیزه‌های اقتصادی-اجتماعی بروز بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران. فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم شماره ۱۶، صص ۲۲۱-۲۴۹

۲۸- ضمیری، عبدالحسین؛ نصیری حامد، رضا. (۱۳۸۹). بحران‌های بین‌المللی، ابعاد و مؤلفه‌ها. مدیریت بحران، شماره ۵۱، صص ۹۵-۱۳۸

۲۹- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی. ترجمه صبوری، منوچهر، چاپ سی‌وچهارم، تهران. نشر نی.

۳۰- طرهانی، نعمت. (۱۳۹۸). شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی. فصل‌نامه پدافند غیر عامل و امنیت. سال هفتم. شماره بیست‌وششم. بهار. صص ۶۷-۸۸

۳۱- زرقانی، هادی؛ اعظمی، هادی؛ احمدی، راحله. (۱۳۹۳). بررسی و شناسایی متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی. فصل‌نامه ژئوپولوتیک، سال دهم، شماره سوم، پاییز، صص ۷۶-۹۴

۳۲- جانستون، هنک (۱۳۹۸). جنبش اجتماعی چیست؟ ترجمه، کشاورزی، سعید، کریمی، مریم چاپ دوم، تهران، نشر ثالث

۳۳- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۸). جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون. چاپ اول، تهران، انتشارات روزانه

۳۴- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸

۳۵- گل وردی، مهدی (زمستان ۱۳۹۶)، تاب‌آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق، فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۲۹۳-۳۱۰.

۳۶- اقتصادنیوز، کد خبر ۲۰۵۰۷۰

۳۷- دانایی‌فرد، حسن؛ صادقی، محمدرضا و مصطفی‌زاده، معصومه (۱۳۹۴)، واکاوی و تحلیل تبعات سیاست‌زدگی بوروکراسی در نظام سیاسی. اندیشه مدیریت راهبردی، سال نهم، شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱۸، صص ۵۷-۸۶.

۳۸- بهشتی، سیدصمد؛ خان‌محمدی، احسان (۱۳۹۹). بررسی وضعیت ادراک فساد و عوامل مرتبط با آن، مطالعه شهروندان سرپل‌دهاب. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۳۱، شماره پیاپی (۸۰)، شماره چهارم، زمستان

Miller, A.H. (۱۹۷۴) Political Issues & Trust in Government: American Political Science Review, Volume ۶۸, Issue ۳(Sep)-۹۵۱ ۹۷۲

۴۰- رزاکرمن، سوزان (۱۹۹۹). فساد و دولت-علت‌ها، پیامدها و اصلاح، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۹۷). تهران: شیرازه کتاب‌ما.